

تاریخ دریافت: ۱۴ تیر ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۱۸ آبان ۱۴۰۰ صفحات ۲۸ الی ۶۳

بررسی شکل‌گیری مشارکت ذینفعان در دستورکار خط‌مشی‌گذاری عمومی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی

محمود دشت‌بزرگ

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران
md_dasht@yahoo.com

فواد مکوندی

استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران (نویسنده مسئول)
Foad.makvandi@iau-shoushtar.ac.ir

وحید چناری

استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران
Vchenari@gmail.com

قنبر امیرنژاد

دانشیار گروه مدیریت، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
g.amirnejad@yahoo.com

سعید جعفری‌نیا

استادیار دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران
Shamsj58@yahoo.com

چکیده: این پژوهش در راستای پرکردن شکاف بین تئوری و عملکرد تدوین دستورکار خط‌مشی عمومی در کمیسیون انرژی مجلس به انجام رسیده است. هدف پژوهش فراهم کردن شرایط برای فعال کردن ظرفیت‌های مشارکتی و نوآورانه جهت بهبود خط‌مشی‌گذاری عمومی مجلس شورای اسلامی است. این مطالعه از نظر هدف کاربردی، به لحاظ ماهیت توصیفی، به لحاظ روش اجرا پیمایشی است. برای مرور مبانی نظری پژوهش و اطلاعات ثانویه از روش کتابخانه‌ای و مصاحبه نیمه ساختارمند استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش با استفاده از روش قضاوت هدفمند با تعداد ۲۲ نفر انتخاب شده‌اند. از آمار توصیفی و آمار استنباطی با نرم افزار SPSS برای میانگین مصاحبه‌ها و از LISREL برای تحلیل عاملی تاییدی استفاده شده است. در کدگذاری انتخابی ۶ دسته مقوله شناسایی شده‌اند. نتایج و پیشنهادها حاصل به صورت تفصیلی در مقاله ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: دستورکار، خط‌مشی عمومی، مشارکت ذینفعان، کمیسیون انرژی، مجلس

۱. مقدمه و بیان مسئله پژوهش

خط مشی‌گذاری به طور سنتی از دیدگاه بالا به پایین مورد بحث قرار گرفته است، یعنی از دیدگاه قانون‌گذاران (دیوان سالاران، مقامات، و سیاست‌مداران) به جای از دیدگاه شهروندان، ذینفعان و مصرف‌کنندگان (آلمانو^۱، ۲۰۱۵). در حکمرانی تصمیمات متفاوتی مانند روند کلی دستورکار در مورد انتخاب بین گزینه‌های مختلف برای یافتن بهترین راه حل‌های ممکن، انتخاب ذینفعان برای دخالت در فرآیند و زمان آن، اتخاذ می‌شود (برزوار، ۲۰۱۹).

قوه مقننه یک نهاد آغازگر و منشاء خط مشی محسوب می‌شود (دسائی^۲، ۲۰۱۱). در حقیقت مجلس و نهادهای خط مشی‌گذار، بر اساس وظیفه‌ای که دارند، باید مسائل عمومی را شناسایی نموده و سپس آنها را برای خط مشی‌گذاری در دستورکار قرار دهند (اوجس^۳، ۲۰۱۹). در میان کارکردهای مختلف مجلس، مهمترین کارکرد، تضمین شنیده شدن صدای مردم و ذینفعان می‌باشد (سائو^۴، ۲۰۱۶). حق تدوین خط مشی به نمایندگی از عامه به نمایندگان مجلس واگذار شده است (دموکراسی غیر مستقیم). اما بر اساس نظریه دموکراسی مدرن، حقوق شهروندان به طور کامل به وکیل او و نمایندگان مجلس واگذار نمی‌شود و شهروندان حق دارند خود به طور فعال در خط مشی‌گذاری مشارکت کنند (خط مشی‌گذاری مستقیم) (هوتاین^۵، ۲۰۱۷).

خط مشی‌های پایدار نیاز به شنیده شدن صداهای محلی دارند و همراستا با نظر پیر و پیترز (۲۰۰۰) مبنی بر اجماع، مشورت و دموکراسی همچنین نظر استیورس^۶ مبنی بر گوش دادن مجلس شامل خود گشودگی، احترام گذاشتن به تفاوت‌ها و بازتابندگی مرتبط با تنوعی پست مدرنیسم، می‌باشد. خط مشی‌گذاری به این شیوه را می‌توان خط مشی‌گذاری مشارکتی نامید که در آن افراد متخصص و

^۱ Alemanno

^۲ Desai

^۳ Otjes

^۴ Su Seo

^۵ Hutahaeen

^۶ Stivers

ذینفع با خط مشی گذاران مشارکت کرده و خط مشی‌ها حاصل تعامل روند از بالا به پایین که توسط مجلس انجام می‌شود، با فرآیندهای از پایین به بالا با رویکرد تلاش برای تأثیرگذاری بر یک خط مشی خاص، بوده و امکان تدوین خط مشی‌های دقیق‌تر را فراهم می‌نماید (فونگ^۱، ۲۰۰۶).

در صورتیکه دستور کار خط مشی‌های عمومی توسط کمیسیون‌های مجلس بدون دخالت و مشارکت ذینفعان پیشنهاد گردد، این خطر وجود دارد که تعارض از ناحیه ذینفعان و حتی مخالفت عمومی با چنین خط مشی‌ها روی دهد (دیازا^۲ و همکاران، ۲۰۱۷). مشارکت ذینفعان در دستور کار خط مشی عمومی مجلس می‌تواند کارآیی مجلس را ارتقا بخشد و این تصور را که اقداماتشان مشروع است، تقویت کند (لونگو^۳، ۲۰۱۷). دعوت مجلس از ذینفعان در مسائل دستور کار، می‌تواند منبعی برای ارتقای تصویر حاکمیت در دید افکار عمومی باشد (بونافونت^۴ و همکاران، ۲۰۱۱).

علیرغم اهمیت زیاد دستور کار، جای تعجب است که تحقیقات کمی در مورد دستور کار خط مشی عمومی مجلس، صورت گرفته است. دلیل این امر می‌تواند پیروی از نظریه لوکز^۵ (۱۹۷۴) در مورد برنامه ریزی پنهانی برای کسب قدرت، باشد. اغلب، جلسات مجالس در پشت درهای بسته انجام می‌شود. بنابراین تنظیم دستور کار، علنی و با مشارکت ذینفعان نیست (اوجس، ۲۰۱۹). بیشتر تصمیم‌گیری‌های مجلس با شفافیت ناکافی صورت می‌گیرد. تصمیم‌گیری در صحن مجلس به عنوان تنها محفل قانونگذاری در پشت درهای بسته صورت می‌گیرد. این وضعیت، سیگنالی می‌فرستد که این یک امتیاز (رانت) کلی سیاسی برای تصمیم‌گیری کمیسیون‌های تخصصی مجلس است.

هر چه میزان مشارکت ذینفعان افزایش یابد، شفافیت در خط مشی‌گذاری و تدوین خط مشی‌ها و وضع قوانین افزایش یافته و امکان بروز فساد در مجلس کاهش می‌یابد. این شفافیت موجب افزایش پاسخگویی خط مشی گذاران، شفافیت‌های اطلاعاتی و کاهش رانتخواران در تدوین و تصویب

^۱ Fung

^۲ Díaza

^۳ Longo

^۴ Bonafont

^۵ Looks

قوانین می‌شود. زیرا حضور مشارکت کنندگان در فرایند تنظیم دستور کار و تدوین خط مشی‌ها و قوانین، موجب بسته شدن راه بر فساد می‌شود.

فرایندهای تعیین دستور کار عمومی در کمیسیون انرژی مجلس عمدتاً بر اعمال دیدگاه‌های غالب اعضای کمیسیون و برخی نخبگان و ذینفوذان صورت می‌گیرد و فرصت کمی برای مشارکت ذینفعان فراهم می‌کند. سیستم مجلس بیشتر مبتنی بر اصول نمایندگی ملی، نمایندگی منافع و نمایندگی نخبگان است تا نمایندگی ذینفعان در امور تخصصی. الگوی فعلی تصمیم‌گیری برای قراردادن موضوعی در دستور کار مجلس، اغلب نامرئی است. جلسه تعیین دستور کار، به جای اینکه محلی برای بحث و گفتگوها و اجماع ذینفعان باشد، محفلی برای خط‌مشی‌های جناح سیاسی قالب و حاکم بر مجلس و کمیسیون است و کنترل دستور کار در اختیار رئیس مجلس یا کمیسیون است. به عبارت دیگر تنظیم دستور کار کاملاً در انحصار مجلس و کمیسیون‌های مجلس است. این بدان معنی است که عدالت برای شنیدن پیشنهادات ذینفعان و کسانی که قدرت دسترسی به دستور کار را ندارند، وجود ندارد. افراد و ذینفعان بی‌قدرت نمی‌توانند به دستور کار شکل دهند و تنها شاید بتوانند پیشنهادهای غیر الزام‌آور برای مجلس ارائه دهند. در حقیقت می‌توان گفت تولید دستور کار خط‌مشی انرژی در مجلس به طور مستقل با حضور اعضای کمیسیون و قرار گرفتن آنها در جایگاه صندلی راننده دستور کار گذاری، صورت می‌گیرد. این شیوه مجلس قرین به ایده یک‌ارکستر است که رهبر ارکستر یک تصمیم‌گیر سیاسی است و نوازندگان و بازیگران سطح پایین را هدایت و هماهنگ می‌کند.

هیچ قانون مشخص و واحدی در مورد چگونگی درگیرسازی و تعامل با ذینفعان وجود ندارد (برزوار، ۲۰۱۹). قوانینی وجود ندارد که مشارکت ذینفعان را در مجلس تعریف کند. این بدان معنی است که دسترسی به فرآیند خط‌مشی توسط اعضای مجلس برای کسانی که توانایی مشارکت در تصمیم‌گیری

در مورد مسائل خط مشی را دارند، فیلتر می‌شود. مجلس با رویکرد بسیج و مشارکت دادن ذینفعان عمل نمی‌کند (بونافونت و مارکوئز^۱، ۲۰۱۱).

پایبندی مجلس به باز بودن خط مشی گذاری، استانداردهای مربوط به شفافیت و تعامل با ذینفعان را ارتقاء می‌دهد (فاریبکی و دیوجاک^۲، ۲۰۱۷). با توجه به عدم فعالیت احزاب به صورت واقعی در کشور، عمدتاً شاهد عدم توفیق راه یافتن افراد متخصص به مجلس شورای اسلامی هستیم. در دوره های انتخابات، بسیاری از افراد متخصص و کارآمد به دلایل مختلف از حضور در مجلس باز می‌مانند و مجلس شورای اسلامی، عملاً توان کافی خط مشی گذاری در حوزه های تخصصی را پیدا نمی‌کند. از همین رو مجلس به فضایی تبدیل می‌شود که افراد غیرمتخصص در دوره حضور خود به یادگیری به روش آزمون و خطا می‌پردازند و خط مشی ها و قوانین تدوین شده در حوزه های تخصصی ناکارآمد است. حال اگر حضور ذینفعان منجر به تخصصی تر شدن فضای خط مشی گذاری شود، می‌توان انتظار داشت که هر چه مشارکت ذینفعان بیشتر شود، فضای تهیه دستور کار و تدوین خط مشی در مجلس شورای اسلامی تخصصی تر شده و خط مشی ها و قوانین با تخصص و دقت بیشتر و بهتری تدوین شوند. از این رو هدف این مقاله بررسی دانش نظری موجود و با بهره گیری از تجارب خبرگان، خط مشی گذاران، و ذینفعان، ارائه مدل شرایط شکل گیری مشارکت ذینفعان در دستور کار خط مشی عمومی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی است.

^۱ Bonafont & Marquez

^۲ Forbici and Divjak

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱- خط مشی گذاری عمومی

خط مشی ها اقدامات دولت، شامل قوانین، مقررات، تصمیمات یا دستورات برای حل مشکلات اجتماعی هستند (یالمانوف^۱، ۲۰۲۱). خط مشی های عمومی مجموعه از اقدامات با هدف دستیابی به اهداف در یک دوره زمانی از طریق نفوذ بر تصمیمات فردی و جمعی (پلاچینوتا^۲، ۲۰۲۰) برای ایجاد گزینه های حل مسائل توسط دولت بوده (فرتی و همکاران^۳، ۲۰۱۹) و به طور فزاینده ای مشارکتی و مشاوره ای است (آلشوی و نونتی^۴، ۲۰۰۲). مشارکت به ادغام ذینفعان، یا شهروندان در فرآیندهای برنامه ریزی و تصمیم گیری خط مشی اشاره دارد (بورگن^۵ و همکاران، ۲۰۲۱). توسعه و استفاده از خط مشی های کارآمد در درجه اول به تعهد مشترک و دیدگاه یکپارچه تمامی بازیگران و ذینفعان تاثیرگذار در سطح کلان و خرد بستگی دارد (مادوسانکا^۶، ۲۰۲۱).

۲-۲- خط مشی گذاری مشارکتی

مشارکت موثر ذینفعان به عنوان عنصری اساسی برای طراحی خط مشی پایدار در نظر گرفته می شود (راشید^۷، ۲۰۲۰). مشارکت بازیگران در خط مشی گذاری، اصل بنیاد یک حاکمیت دموکراتیک را به رسمیت می شناسد (هولمز^۸، ۲۰۱۱). خط مشی گذاری مشارکتی مبتنی بر این فرض است که خط مشی های پایدار نیاز به شنیده شدن صداهای محلی دارند. مشارکت خط مشی حاصل تعامل روند "از بالا به پایین" که توسط دولت و مجلس انجام می شود، با فرآیندهای "از پایین به بالا" با

^۱ Yalmanov

^۲ Pluchinotta

^۳ Ferretti

^۴ Alshuwaikhat and Nkwenti

^۵ Bjørgen

^۶ Madhusanka

^۷ Rasheed

^۸ Holmes

رویکرد تلاش برای تأثیرگذاری بر یک خط مشی خاص صورت می‌گیرد (هیات مطالعات اقیانوس^۱، ۲۰۰۴).

۳-۲- دستورکار در خط مشی‌گذاری

دستورکار، مجموعه‌ای از مشکلات که موضوع رسیدگی به وسیله اقتدارهای عمومی هستند و در نتیجه می‌توانند موضوع یک یا چند تصمیم قرار بگیرند (هاولت^۲، ۲۰۱۹). لیپمن^۳ (۱۹۲۲) اولین بار ایده تنظیم دستورکار را بیان کرد که متعاقباً توسط لاسول^۴ (۱۹۴۸) و کوهن^۵ (۱۹۶۳) گسترش یافت و با نظریه تنظیم دستورکار به واسطه کار مک کامبز و شاول^۶ به اوج رسید (البالوی^۷، ۲۰۱۵). اولین مطالعاتی که دستورکار را به عنوان یک بخش اساسی از فرآیند سیاسی در نظر گرفته، به دهه ۱۹۷۰ به بعد بر می‌گردد که به دنبال آشکار کردن یک رویکرد کثرت‌گرا بود (کاپلا^۸، ۲۰۱۶).

۴-۲- عوامل موثر در دستورکار

سه نیروی احزاب سیاسی، ذینفعان و نهادها، تأثیر عمده‌ای بر دستورکار دارند (استوارت^۹، ۱۹۹۱). ذینفعان معمولاً افراد یا گروه‌های مختلف علاقمند هستند که در موضوعی که در حال تنظیم است مشکلی یا سهمی دارند (برزوار، ۲۰۱۹). به طور سنتی، آغاز روند خط مشی از اختیارات فرآیند سیاسی بوده است. در نتیجه، ورود مستقیم ذینفعان به تعیین دستورکار خط مشی‌ها تا حد زیادی نادیده گرفته شده است (آلتمن^{۱۰}، ۲۰۱۳). با توجه به تأکید روزافزون بر دموکراسی مشارکتی، مشارکت ذینفعان به

^۱ Ocean Studies Board

^۲ Howlett

^۳ Lippman

^۴ Lasswell

^۵ Cohen

^۶ McCombs and Shaw

^۷ Albalawi

^۸ Capella

^۹ Stewart

^{۱۰} Altman

عنوان ابزاری برای شروع اقدامات سیاسی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (فری^۱، ۲۰۱۱ و آلمانو، ۲۰۱۴).

۲-۵- دستورکار مشارکتی^۲

به طور سنتی، خط مشی گذاران مسائل خط مشی را برای بحث در یک سیستم نسبتاً بسته، براساس علایق، ترجیحات یا اطلاعات جدید و غیره، انتخاب می‌کنند. این مسیر یک روش عملیاتی استاندارد عملکرد دولت از بالا به پایین در یک سلسله مراتب بوروکراتیک است. با این حال، دموکراسی مدرن برای شرکت در دستورکار نیاز به بازیگران خارجی بیشتری دارد. مسیر مشارکت کنندگان عمومی راهی دیگر از دستورکار از پایین به بالا می‌باشد (لیو و چان، ۲۰۱۸^۳).

در برخی پارلمان‌های کشورهای اروپائی تصمیم‌گیری شراکتی انجام می‌شود به این مفهوم که تمام فعالان درگیر در تمام مراحل تصمیم‌گیری مشارکت می‌کنند. لذا احتمال اینکه خط مشی عمومی بتواند فراگیر، با اجماع نظر و موفق‌تر در مرحله اجرا باشد را تقویت می‌سازد. با این حال هیچ‌یک از بازیگران خط مشی انحصار اطلاعات، منابع و تخصص کامل برای هدایت روند خط مشی عمومی را در اختیار ندارند (مومن^۴، ۲۰۲۰).

دینفعانی کم‌علاقه، کم‌قدرت و کم‌نفوذ، باید در مورد همه مراحل مطلع شوند و تلاش‌ها باید در جهت علاقه و مشارکت بیشتر آنها انجام شود. از سوی دیگر، دینفعان علاقمند به مشارکت، قدرتمند و پرنفوذ، باید دعوت شوند تا بخشی از یک گروه کاری باشند (برزوار، ۲۰۱۹).

فرآیندهای تنظیم دستورکار مشارکتی دارای دو تاثیر (۱) غنی‌سازی فرایندهای تحت سلطه متخصصان و نخبگان با دیدگاه‌های جامعه مدنی و در نتیجه گنجاندن مسائل و خواسته‌های جدید؛ (۲) دادن امکان به مشارکت کنندگان تا خود را به عنوان بازیگر ببینند، تا ایده‌های توسعه یافته مشترکشان، بتواند توسط فرایندهای سطح بالاتر مورد استفاده قرار گیرد (اسکورت و همکاران، ۲۰۲۰).

^۱ Frey

^۲ Participatory agenda

^۳ Liu and Chan

^۴ Momen

دستورکار مشارکتی خط مشی را می‌توان با سه تفسیر از حکمرانی مطابق جدول زیر مورد بررسی قرارداد (کلینشمیتا^۱ و همکاران، ۲۰۱۸).

جدول ۱. انواع حکمرانی در دستورکار مشارکتی خط مشی گذاری عمومی

حکمرانی نخبگان	حکمرانی مشورتی با شهروندان	حکمرانی مشارکتی ^۲
رهبری یک یا گروهی از بازیگران، خط مشی گذاری سنتی بالا به پایین (فیشر ^۳ ، ۲۰۰۹).	پشتیبان بودن رهبر ارکستر؛ بازیگران با منافع متعدد، هدایت از پایین به بالا، دانش مخصوص تعامل دیدگاه‌های رقیب (فیشر، ۲۰۰۳)	حضور ذینفعان مختلف در فرایند خط مشی گذاری، بدیل نخبه گرایی، رهبر تصمیم گیر نیست بلکه تاثیرگذار است، هماهنگی غیر مستقیم برای اقدام هماهنگ بازیگران سطح پایین (فیشر، ۲۰۰۹ و فیشر، ۲۰۰۳)

۶-۲- درگیری سازی الکترونیک و دولت باز

درگیری سازی الکترونیک یک رویکرد نسبتاً جدید است، که می‌تواند در بهبود فرایندهای تدوین خط مشی در مجلس از طریق افزایش مشارکت در مرحله بحث در مورد تدوین دستورکار با استفاده از ابزار و روش های مبتنی بر فن آوری اطلاعات، موثر واقع شود (لوکیس^۴ و همکاران، ۲۰۱۰). فناوری های جدید و الگوهای استفاده از وب مشارکتی^۵، به دلیل ماهیت مشارکتی ذاتی آنها (مک نات^۶، ۲۰۱۴) به تدریج راه را برای دوره جدیدی از دیجیتالی شدن مکانیسم های مشارکت ذینفعان هموار می‌کند (آلمانو، ۲۰۱۵). سهم دولت الکترونیک در بهبود شفافیت، مشاوره و ارتباط از اهمیت

^۱ Kleinschmita

^۲ Participatory Governance

^۳ Fischer

^۴ Loukis

^۵ Participative web

^۶ McNutt

فزاینده‌ای برخوردار است این بدان معناست که مجلس باید پیش نویس دستورکار را در پورتال الکترونیکی منتشر کند، لیستی از ذینفعان درگیر، نظرات ارائه شده آنها، و نحوه برقراری ارتباط را ارائه دهد، و نظرات و پیشنهادات غالب یا مردود شده با دلایل رد آنها (برزوار، ۲۰۱۹). سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۰۵)، دولت باز را "شفافیت اقدامات دولت، دسترسی به خدمات و اطلاعات دولت و پاسخگویی دولت به ایده‌ها، خواسته‌ها و نیازهای جدید" تعریف کرده است. این حالت شامل فراهم آوردن فرصت‌های معنادار^۱ (از جمله آنلاین) برای ذینفعان در جهت کمک به روند تهیه دستورکار خط مشی‌ها است (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۲).

۷-۲- خط مشی گذاری باز

خط مشی گذاری باز^۲ و فراگیر، فرهنگ حاکمیتی است که براساس ایده باز کردن فرایندهای خط مشی گذاری برای ذینفعان در راستای طراحی بهتر خط مشی‌ها با گسترش پایگاه شواهد بنا شده است (کاواسینی و بالیسلیس^۳، ۲۰۱۷). ارزش خط مشی گذاری باز و فراگیر به عنوان رنسانس دموکراسی مشارکتی بوده (آلمن، ۲۰۱۳)، و به هوش جمعی اتکا می‌کند، تا خط مشی عمومی آگاهانه تر و با کیفیت تر تولید کند (ناوک و همکاران، ۲۰۱۹). مشارکت ذینفعان در مراحل اولیه فرآیند از جمله دستورکار، می‌تواند بحث سازنده، رویارویی با ایده‌ها و نظرات مختلف و ایجاد حس مالکیت^۴ را ارائه دهد، که ممکن است منجر به علاقه مثبت و ایده‌های بدیع در این فرآیند و افزایش اعتبار و شفافیت آن شود (برزوار، ۲۰۱۹). خط مشی گذاری باز در راستای مدرن سازی دولت‌ها جهت کارآمدتر، موثرتر و پاسخگو بودن در ارائه خط مشی‌ها و خدمات عمومی بوده و نقش جدیدی را برای حاکمیت عمومی ارائه می‌کند (ترانکا^۵، ۲۰۱۷). دریافت مشاوره صحیح از طریق خط مشی

^۱ Meaningful Opportunities

^۲ Open policy-making

^۳ Cavassini & Bolisli

^۴ Ownership

^۵ Tranka

گذاری باز و فراگیر مبتنی بر دو ایده اصلی (۱) گشودگی^۱ (پاسخگویی)^۲ به معنای ارائه اطلاعات به ذینفعان و در دسترس قرار دادن، قابل درک و پاسخگویی فرایند خط مشی گذاری است و (۲) شمولیت^۳ به معنای گوناگونی و طیف گسترده صداها و ذینفعان در فرایند خط مشی گذاری است (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۹).

۸-۲- مجلس و نقش مشارکت ذینفعان در دستورکار

۸-۲-۱- جایگاه شنیداری مجلس: مجالس مکان های مهمی برای تدوین دستورکار خط مشی ها هستند (کاوایری و فرویو^۴، ۲۰۲۱). در سال های اخیر، اتحادیه اروپا نقش رویه ها و دستورالعمل ها را به عنوان ابزاری که از اعتبار دموکراتیک خود در برابر آسیب های ناشی از تصرف نهادی^۵، خط مشی گذاری مات^۶ و انتقادات عمومی محافظت می کند، برجسته کرده است (کوئن و کاتسایتیس^۷، ۲۰۲۱). مشارکت فرآیندی است که طی آن مجلس قبل از تصمیم گیری، با مردم و ذینفعان تحت تأثیر، مشورت می کند و طی یک مکانیسم ارتباطی دو طرفه برای حل مشکلات به صورت مشارکتی با هدف دستیابی به تصمیمات قابل قبول تر اقدام می کند (شابلال^۸، ۲۰۱۳). در کمیسیون های تخصصی مجلس همیشه کشمکش بین شفافیت^۹ و اقدامات غیر رسمی^{۱۰} به عنوان یک چالش اساسی مطرح است (فاسون و لوپو^{۱۱}، ۲۰۱۵). استماع^{۱۲} پارلمانی رویه ای است که از طریق آن درگیرسازی کمیسیون ها با بازیگران مختلف انجام و باعث تقویت مکانیسم های شفافیت و پاسخگویی کمیسیون

^۱ Openness

^۲ Responsiveness

^۳ Inclusion

^۴ Cavalieri and Froio

^۵ Institutional Capture

^۶ Opaque policy-making

^۷ Coen and Katsaitis

^۸ Tshabalal

^۹ Transparency

^{۱۰} Informality

^{۱۱} Fasone and Lupo

^{۱۲} Hearing

می‌شود (پدرسون^۱ و همکاران، ۲۰۱۵). پارلمان اروپا با استفاده از ابزار شنودگی وظایف مختلف کمیسیون‌های تخصصی خود را انجام داده، بازیگران مختلف را به مشارکت جلب می‌کند، و خط مشی‌گذاری مشارکتی بین قانون‌گذاران و ذینفعان خط مشی صورت می‌دهد، امور نظارتی کمیسیون و پاسخویی مرتبط با آن در حوزه مسئولیت قانونی خود به نحو شایسته تری انجام می‌شود، و در نهایت ابزاری برای توانمندسازی کمیسیون شمرده می‌شود (کوئن و کاتسایتیس، ۲۰۲۱).

۲-۸-۲- **مجلس باز:** ایده مجلس باز^۲ به معنای شفافیت و پاسخگویی کامل در انتخاب‌ها، مدیریت و عملکردها و فعالیت‌های اصلی، فراهم آوردن دسترسی ذینفعان به تصمیم‌گیرندگان و فرآیندهای تصمیم‌گیری برای ایجاد اعتماد در مجلس است (فاریبکی و دیوجاک، ۲۰۱۷). دستور کار خط مشی عمومی باز توسط کمیسیون‌های تخصصی مجلس نشان می‌دهد که ارزش نظرات و عقاید بازیگران را در کمک به شناسایی مسائل و توسعه راه‌حل‌ها مبتنی بر دموکراسی مستقیم به رسمیت می‌شناسد (مجلس عوام انگلستان، ۲۰۱۳).

۳. پیشینه‌های تجربی پژوهش

گل‌دار و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان طراحی چارچوب مفهومی درگیرسازی ذینفعان در خط مشی‌گذاری عمومی با استفاده از نظریه داده‌بنیاد، پرداختند. یافته‌های پژوهش مشتمل بر ابعاد پنجگانه؛ عوامل زمینه‌ای؛ عوامل تسهیل‌گر و یازدارنده؛ شناسایی و مواجهه با مساله عمومی؛ درگیرسازی ذینفعان در خط مشی‌گذاری عمومی؛ و وضع خط مشی‌های مطلوب و مولفه‌های بیست و یک‌گانه در قالب الگو توانسته فرآیند درگیرسازی ذینفعان در خط مشی‌گذاری عمومی را ارائه کند. **ابوالحسنی رنجبر و همکاران (۱۳۹۷)** در پژوهشی به ارائه الگوی دستور کار خط مشی‌های اصلاح نظام اداری در ایران با استفاده از نظریه داده‌بنیاد پرداختند. شرایط علی اثرگذار بر دستور کار

^۱ Pedersen

^۲ Open Parliament

خط مشی های اصلاح نظام اداری، عوامل مداخله گر، عوامل زمینه ای، همچنین راهبردها، برای ایجاد تحول و اصلاح در نظام اداری معرفی شدند. **محمدی فاتح و همکاران** (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان طراحی مدلی برای ارتقای ظرفیت خط مشی گذاری در قوه مجریه کشور پرداختند. براساس یافته‌های اکتشافی، پدیده محوری مطالعه، ظرفیت خط مشی گذاری نام گرفته که شرایط علی، راهبرد اصلی، پدیده محوری، شرایط خاص و شرایط عام تحقق این راهبرد، و پیامد اجرای خط مشی گذاری خوب شناسایی شدند. **تونسند^۱ و همکاران** (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی اثرگذاری بازیگران با قدرت نامتقارن در تنظیم دستور کار برای خط مشی گذاری در حوزه بهداشت در استرالیا پرداختند. بررسی صورت گرفته نشان داد که بازیگران برای ایجاد توازن در قدرت، به لابی گری می پردازند تا از این طریق بتوانند ایدئولوژی و تفکر غالب خود را به سایرین تحمیل نموده و قدرت خود را برای تنظیم دستور کار و خط مشی گذاری بهینه افزایش دهند. **آنا تاناسیلپ^۲** (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی دو رویکرد تمرکززدایی و ملی شدن مجدد و ایجاد شبکه های خط مشی گذاری انرژی و تنظیم دستور کار انرژی در تایلند (۲۰۱۷ - ۱۹۸۷) پرداخت. در این پژوهش تاثیر افزایش تمرکززدایی در افزایش اثربخشی دستور کار خط مشی های تدوین شده در مورد انرژی نشان داده شد. **راسموسن و توشکف^۳** (۲۰۱۳) در مقاله ای با عنوان تاثیر مشارکت ذینفعان در طول مدت قانون گذاری: مشاوره بازیگران خارجی و طول مدت زمان قانون گذاری اتحادیه اروپا، پرداختند و نتیجه گرفتند مشورت با ذینفعان بیرونی در خط مشی گذاری بر مدت و کارایی تصمیم گیری تاثیر می گذارد و هزینه توافق را افزایش می دهد. **بونافونت و مارکونز^۴** (۲۰۱۱) در مقاله ای با عنوان بسیج ذینفعان در پارلمان اسپانیا ضمن بررسی نقش ذینفعان و پارلمان به عنوان نهاد خط مشی گذار، در کشور اسپانیا بیان داشتند بسیج ذینفعان در پارلمان اسپانیا به ویژه با اولویت های کمیسیون های مجلس همبستگی بالایی دارد.

^۱ Townsend

^۲ Aunphattanasilp

^۳ Rasmussen & Toshkov

^۴ Bonafont & Marquez

کمیسیون‌های مجلس بیشتر وقت و منابع خود را وقف بحث و تبادل اطلاعات با ذینفعان در مورد مسائلی می‌کنند که به ویژه به آنها مربوط است. آنها استدلال کردند که این امر تا حدودی به عوامل نهادی، گرایش دولت، و ترکیب کمیسیون‌های مجلس مرتبط است. اوجس (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان جلسه دستور کار بدون سیاست، تنظیم دستور کار عمومی در مجلس هلند، بیان می‌کند تنظیم دستور کار معمولاً پشت درهای بسته اتفاق می‌افتد. اما مجلس هلند از این قاعده مستثنی است و تصمیمات مربوط به دستور کار پارلمان علنی و تنظیم دستور کار از منظر یک موضوع رقابتی بررسی شده است. برزوار (۲۰۱۹) در تحقیقی به عنوان مشارکت زودهنگام ذینفعان برای تنظیم سازمان‌های بخش غیر دولتی به عنوان تجربه موفق کشور اسلونی و تنظیم دستور کار از منظر یک موضوع رقابتی بررسی شده است. او دریافت اگر فرایند خط مشی گذاری بخواهد به نحوی بهبود یابد که بتواند مشارکت زودهنگام ذینفعان را بهبود بخشد، نیاز به تغییر ذهنیت، تغییر نگرش و فرهنگ سیاسی است. در این مقاله تأکید بر خط مشی گذاری شفاف تر از طریق مشارکت ذینفعان در مراحل اوله تدوین دستور کار است.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی است چراکه به دنبال الگویی جهت مشارکت ذینفعان در دستور کار خط مشی عمومی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی است. همچنین به لحاظ روش اجرا پیمایشی است. برای مرور مبانی نظری پژوهش و اطلاعات ثانویه از روش کتابخانه‌ای و مصاحبه استفاده شده است و از این جهت براساس منابع مورد استفاده، به پژوهش توسعه‌ای و کاربردی پرداخته شده است. با توجه به اینکه پژوهش حاضر به دنبال الگویی جهت مشارکت ذینفعان در دستور کار خط مشی عمومی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی است، لایه‌های پژوهش از فلسفه تا تکنیک مورد استفاده با استفاده از مدل لایه‌ای پژوهش ساندرز و همکاران (۲۰۱۶) مطابق شکل زیر می‌باشد. براساس این الگو یک پژوهش از لایه‌های مختلفی تشکیل می‌شود که در آن هر لایه متاثر از لایه بالاتر است.

شکل ۱. لایه‌های روش پژوهش حاضر براساس پیاز پژوهش ساندرز و همکاران (۲۰۱۶)



روش شناسی مورد استفاده در این پژوهش داده بنیاد است. داده بنیاد یک روش پژوهش کیفی^۱ است که به طور استقرایی یک سلسله رویه‌های سیستماتیک را به کار می‌گیرد تا نظریه‌ای در باره پدیده مورد مطالعه به منظور پاسخگویی به پرسش‌های نوین در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی است ایجاد کند (استرابرت و کارپنتر^۲، ۲۰۰۳). در داده بنیاد تلاش بر آن است تا به روش استقرایی و از طریق تحلیل پدیده‌های خاص اجتماعی یک تئوری جامع و عمومی ارائه شود (مک کان و پولاشک^۳، ۲۰۲۰). کدگذاری خواندن دقیق و خط به خط داده‌ها و شکستن آنها به کوچکترین جزء ممکن است که در آن طبقات جدا و یا ادغام می‌گردند تا نظریه در روند این فرآیند شکل گیرد (نلسون^۴، ۲۰۲۰). اشتراوس و کربین برای توسعه نظریه داده بنیاد از داده‌ها سه نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی را معرفی کرده‌اند (می و ماروک^۵، ۲۰۱۱). برای اجرای استراتژی داده بنیاد سه رویه‌یافت نظام‌مند^۶، ظاهرشونده^۷ و ساخت گرایانه^۸ معرفی شده است. در این مقاله از رویه‌یافت نظام‌مند اشتراوس و

^۱ Qualitative Research

^۲ Streubert & Carpenter

^۳ McCann & Polacsek

^۴ Nelson

^۵ Mey and Mruck

^۶ Systematic

^۷ Emergent

^۸ Constructivist

کرین^۱ (شرایط علی^۲، شرایط زمینه‌ای^۳، مقوله محوری^۴، شرایط مداخله‌گر^۵، راهبردها^۶، و پیامدها^۷) استفاده شده است (کرسول^۸، ۲۰۱۲).

جامعه‌ی پژوهش حاضر کسانی آگاه به خط مشی گذاری؛ دارای تخصص دکتری و یا کارشناس ارشد دارای سابقه تدریس ۱۰ سال به بالا در دانشگاه (برای اساتید دانشگاهی) می باشند. از همین رو جامعه خبرگان پژوهش شامل کلیه اعضای کمیسیون انرژی مجلس، مرکز پژوهش های مجلس، متخصصان خط‌مشی گذاری حوزه انرژی در ستاد وزارتخانه های قوه مجریه (مدیران عامل استان ها و معاونین برنامه‌ریزی- معاونین وزیر و شرکت های مادر تخصصی- مدیران عامل بازنشسته ۱۰ سال اخیر)، سندیکای پیمانکاران، اداره کل انرژی سازمان برنامه و بودجه، متخصصان دانشگاهی خط‌مشی گذاری عمومی که صاحب مقالات و تألیفات در حوزه مرتبط هستند، فعالان صنعت حوزه انرژی، پژوهشگاه نیرو می‌باشند. مصاحبه با کلیه این افراد امکان پذیر نیست و شناخت بهترین و مرتبط ترین افراد نیز بسیار مشکل است. از همین رو محقق برای شناسایی متخصص ترین افراد از روش گلوله برفی استفاده نموده است.

تعداد افرادی که باید مورد مصاحبه قرار گیرند از ابتدا مشخص نمی باشد و مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه می‌یابد. یعنی مصاحبه‌ها تا زمانی انجام می‌شود که کدهای استخراج شده بین دو مصاحبه اختلافی کمتر از ۲ کد داشته باشند. در این صورت اشباع نظری رخ داده و نیاز به مصاحبه جدیدتری نبود. حداقل تعداد مصاحبه‌ها در این پژوهش براساس نظر کرسول و کلارک^۹ (۲۰۱۷) ۵ مصاحبه می‌باشد. مصاحبه با افراد با تعیین قرار قبلی و در مجلس شورای اسلامی، دفتر آنها در سطح

^۱ Strauss & Corbin

^۲ Casual Conditions

^۳ Context Conditions

^۴ Core Catagory

^۵ Intervening conditions

^۶ Strategies

^۷ Consequences

^۸ Creswell

^۹ Creswell & Clark

شهر یا بیرون از محل کار به صورت حضوری و برخی از مصاحبه‌ها نیز به دلیل ظهور ویروس کرونا و شرایط خاص کشور، به صورت مجازی و غیرحضوری انجام گرفت. مصاحبه با افراد بین ۴۰ دقیقه تا ۱ ساعت به طول انجامید.

به منظور ایجاد یک فرایند ثابت در انجام مصاحبه‌ها، پروتکل مصاحبه تدوین گردید. مصاحبه از نوع نیمه ساختارمند برای جمع‌آوری داده مورد استفاده قرار گرفت. از آنجا که در این پژوهش از روش کیفی استفاده گردیده است، روایی و پایایی متناسب با آن انجام شد. در این پژوهش از پایایی باز آزمون و روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های انجام گرفته استفاده شده است. در این پژوهش برای محاسبه پایایی باز آزمون از بین مصاحبه‌های انجام گرفته تعداد ۳ مصاحبه انتخاب شده و هر کدام از آنها دو بار در یک فاصله زمانی ۳۰ روزه توسط پژوهشگر کدگذاری شده‌اند. از بین مصاحبه‌های انجام گرفته تعداد ۳ مصاحبه انتخاب شده و هر کدام از آنها دو بار در یک فاصله زمانی ۳۰ روزه توسط پژوهشگر کدگذاری شده‌اند. تعداد کل کدها در دو فاصله زمانی ۳۰ روزه برابر ۸۸، تعداد کل توافقات بین کدها در این دو زمان برابر ۴۰، و تعداد کل عدم توافقات در این دو زمان برابر ۳ است. پایایی باز آزمون مصاحبه‌های انجام گرفته در این پژوهش با استفاده از فرمول ذکر شده برابر ۹۰ درصد است. لذا قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تایید می‌باشد. تعداد کل کدها که توسط پژوهشگر و همکار پژوهش به ثبت رسیده است برابر ۸۸، تعداد کل توافقات بین این کدها ۳۸ و تعداد کل عدم توافقات بین این کدها برابر ۴ است. پایایی بین کدگذاران برای مصاحبه‌های انجام گرفته در این پژوهش با استفاده از فرمول ذکر شده برابر ۸۶ درصد است. لذا قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تایید می‌باشد و می‌توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه کنونی مناسب است.

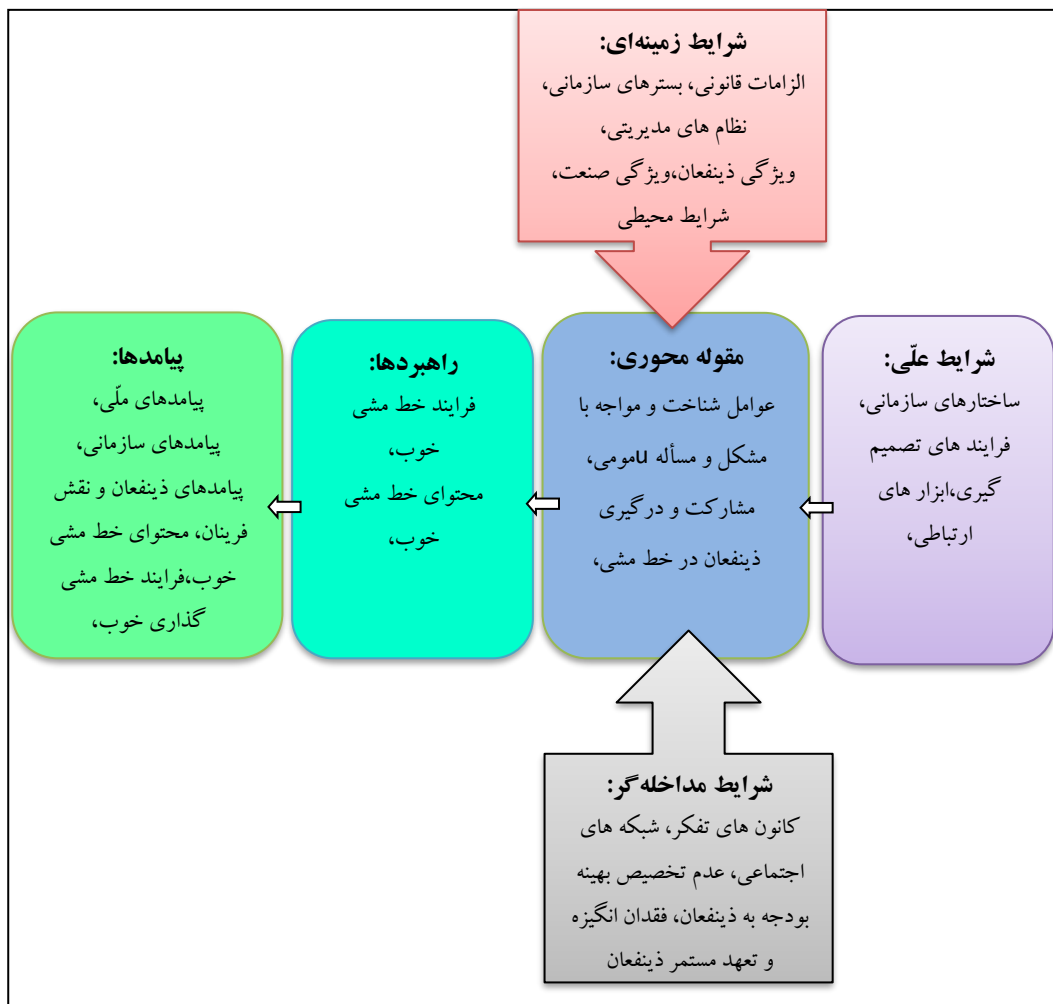
۵. یافته‌های پژوهش

از نتایج حاصل از کدگذاری باز داده‌های کیفی گردآوری شده با استفاده از ابزار مصاحبه، تعداد ۳۱ کد باز از میان ۱۱۴ مفهوم شناسایی شدند. نتایج حاصل از کدگذاری محوری شامل ۸۸ گویه در قالب ۲۸ مقوله به شرح ذیل دسته‌بندی شده‌اند: ساختارهای سازمانی، عوامل مداخله‌گر، وسایل و ابزارهای ارتباطی، شناخت و درک مسأله عمومی، شناسایی آثار و پیامدهای مسأله عمومی، انتخاب نوع دستورکار، شناسایی ذینفعان، تجزیه و تحلیل ذینفعان، تعیین سطح اهمیت و اولویت بندی ذینفعان، انتخاب استراتژی مشارکت ذینفعان، الزامات قانونی، بستر سازمانی، نظام‌های مدیریتی، ویژگی‌های ذینفعان، ویژگی‌های صنعت در تولید انرژی، شرایط محیطی، تحقق اهداف سازمان به نحو مطلوب، رضایتمندی ذینفعان، حفاظت از منافع ملی، سهولت اجرای خط مشی، پیامدهای سازمانی، پیامدهای ملی، پیامدهای نقش آفرینان و ذینفعان، محتوای خط مشی خوب، فرایند خط مشی گذاری خوب با مشارکت ذینفعان.

پس از شناسایی مقولات توسط کدگذاری محوری می‌توان با استفاده از فراوانی کدهای داده شده به مقولات، اهمیت آنها را مشخص نمود. براین اساس مقوله پیامدهای ملی با تعداد نزدیک به ۴۰ تکرار کد در رتبه اول شناسایی شدند، فرایند خط مشی گذاری با تعداد کد ۳۳ تکرار در رتبه دوم می‌باشد و انتخاب استراتژی مشارکت با ۴ تکرار کد در رتبه آخر قرار دارد.

در کدگذاری انتخابی ۶ دسته مقوله به این شرح هستند: الف) مقوله‌های علی شامل ساختارهای سازمانی، فرآیند تصمیم‌گیری و ابزارهای ارتباطی، می‌تواند از شرایط علی موثر باشد؛ ب) مقوله محوری شامل عوامل شناخت و مواجهه با مشکل و مسأله عمومی، و مشارکت و درگیری ذینفعان در خط مشی؛ پ) مقوله‌های زمینه‌ای شامل عوامل الزامات قانونی، بسترهای سازمانی، نظام‌های مدیریتی، ویژگی ذینفعان، ویژگی صنعت و شرایط محیطی می‌باشند؛ ت) شرایط مداخله‌گر شامل عوامل کانون‌های تفکر، شبکه‌های اجتماعی، عدم تخصیص بهینه بودجه به ذینفعان و فقدان انگیزه و تعهد مستمر ذینفعان و کارگزاران می‌باشند؛ ث) مقوله‌های راهبردی شامل خط مشی گذاری بهینه که همان فرایند خط مشی مطلوب و محتوای خط مشی مطلوب است؛ ج) مقوله‌های پیامدی شامل پیامدهای سازمانی،

پیامدهای ملی، پیامدهای نقش آفرینان و مشارکت کنندگان، فرایند خط مشی گذاری مطلوب و محتوای خط مشی مطلوب، شناسایی شدند. از آنجایی که در کدگذاری انتخابی، فرآیند روایت داستان، کشف مقوله محوری پژوهش و مرتبط ساختن آن با سایر مقوله‌ها در قالب مدل پارادایمی انجام می‌شود، مدل پارادایمی به دست آمده به صورت زیر ارائه می‌گردد:



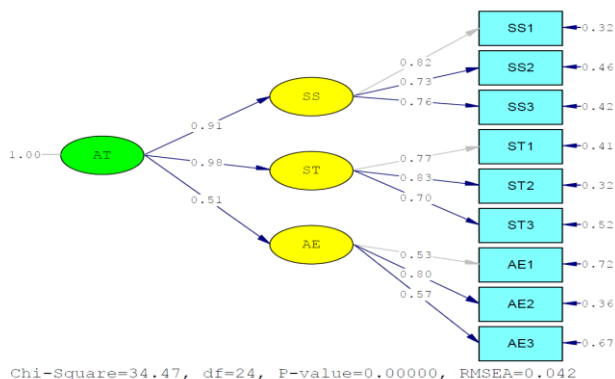
۶- تحلیل عاملی تاییدی

برای بررسی روابط علی بین متغیرها به صورتی منسجم، کوشش‌های بسیاری در دهه اخیر صورت گرفته است. یکی از روش‌های نو در این زمینه مدل معادلات ساختاری است. از این روش به عنوان مدل علی یاد شده است. از طریق این روش می‌توان قابل قبول بودن مدل‌های نظری را در جامعه‌های خاص با استفاده از داده‌های همبستگی تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مدل عاملی، انجام داد. لذا از معادلات ساختاری استفاده کرده تا تحلیل عاملی تاییدی انجام دهیم. در این پژوهش از تکنیک تحلیل عاملی تاییدی به منظور اطمینان یافتن از صحت و درستی گویه‌های به کار رفته در پرسشنامه‌ها برای اندازه‌گیری متغیر مربوطه استفاده شده است. در این راستا بار عاملی هر گویه و درصد واریانس توضیح داده شده، محاسبه گردیده است.

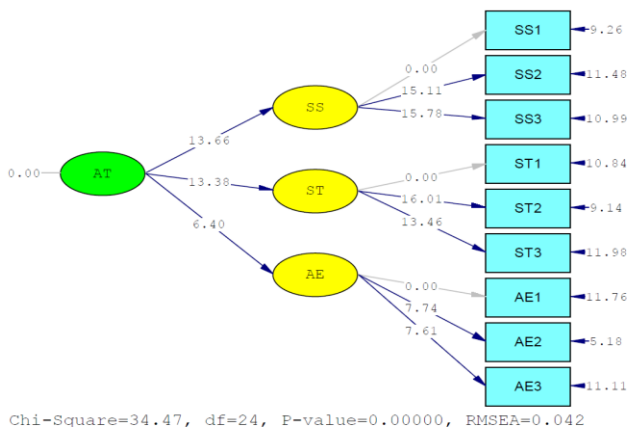
پرسشنامه براساس نظر خبرگان از روایی صوری و محتوایی برخوردار بود. و ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای پژوهش بالاتر از ۰/۷ محاسبه شد که بیانگر هماهنگی درونی گویه‌ها و تأیید پایایی پرسشنامه بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل سازی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل استفاده که نتایج به شرح زیر حاصل گردید:

۱- مدل اندازه‌گیری عوامل تسهیل‌گر و باز دارنده (علی)

مطابق شکل ۲- مقدار بارهای عاملی تمامی ابعاد از ۰/۳ بیشتر می‌باشد از این رو معنی دار بوده و از لحاظ آماری قابل قبول می‌باشد. همچنین در حالت ضرایب معناداری در شکل ۳- نیز می‌توان مقادیر آماره T را مشاهده کرد که مقادیر t در تمامی ابعاد از ۱/۹۶ بیشتر بوده از این رو قابل قبول می‌باشند.



شکل ۲. مدل اندازه‌گیری عوامل تسهیل‌گر و باز دارنده در حالت تخمین استاندارد



شکل ۳. مدل اندازه‌گیری عوامل تسهیل‌گر و باز دارنده در حالت معناداری

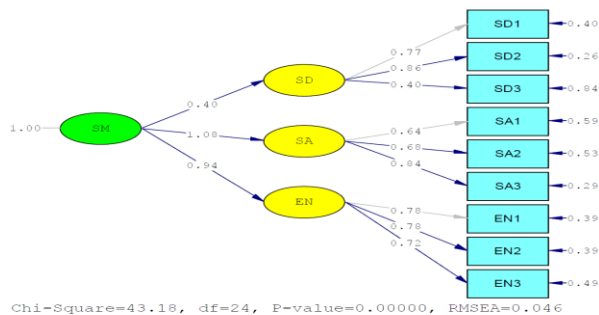
مطابق جدول ۲- مقدار χ^2 به درجه آزادی برابر با ۱/۴۳ می‌باشد. همچنین میزان RMSEA (برابر با ۰/۰۴۲) و شاخص‌های GFI (برابر با ۰/۹۷)، AGFI (برابر با ۰/۹۴)، NFI (برابر با ۰/۹۸)، NNFI (برابر با ۰/۹۹) و CFI (برابر با ۰/۹۹) نشان دهنده مناسب بودن مدل است.

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری عوامل تسهیل‌گر و باز دارنده

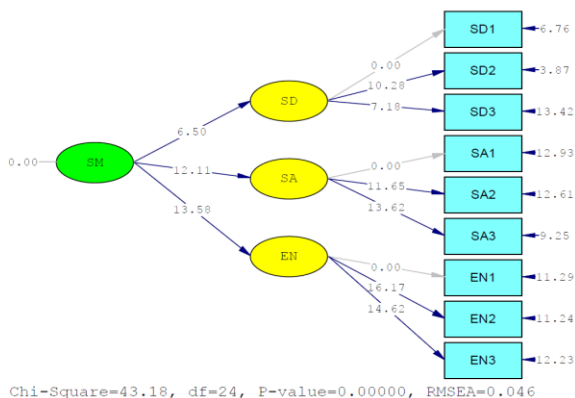
نتایج	مقدار مطلوب	معادل فارسی	شاخص برازش
۰.۹۸	۰.۹۰	شاخص برازش هنجار شده	Normed Fit Index (NFI)
۰.۹۹	۰.۹۰	شاخص برازش هنجار نشده	Non-Normed Fit Index (NNFI)
۰.۹۹	۰.۹۰	شاخص برازش تطبیقی	Comparative Fit Index (CFI)
۰.۹۷	۰.۹۰	شاخص نیکویی برازش	Goodness of Fit Index (GFI)
۰.۹۴	۰.۹۰	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
۱/۴۳	۳ >	خی دو به درجه آزادی	χ^2/df

۲- مدل اندازه‌گیری شناسایی و مواجهه با مسأله و مشکل عمومی

مطابق شکل ۴- مقدار بارهای عاملی تمامی ابعاد از ۰/۳ بیشتر می‌باشد از این رو معنی دار بوده و از لحاظ آماری قابل قبول می‌باشد. همچنین در حالت ضرایب معناداری در شکل ۵- نیز می‌توان مقادیر آماره T را مشاهده کرد که مقادیر t در تمامی ابعاد از ۱/۹۶ بیشتر بوده از این رو قابل قبول می‌باشند.



شکل ۴. مدل اندازه‌گیری شناسایی و مواجهه با مسأله و مشکل عمومی در حالت تخمین استاندارد



شکل ۵. اعداد معناداری ضرایب مدل اندازه‌گیری شناسایی و مواجهه با مسأله و مشکل عمومی

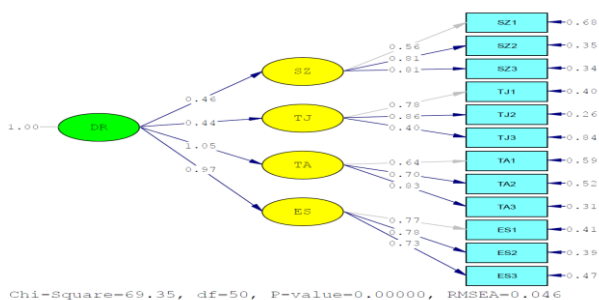
مطابق جدول ۳- مقدار χ^2 به درجه آزادی برابر با ۱/۷۹ می‌باشد. همچنین میزان RMSEA (برابر با ۰/۰۴۶) و شاخص‌های GFI (برابر با ۰/۹۳)، AGFI (برابر با ۰/۹۱)، NFI (برابر با ۰/۹۷)، NNFI (برابر با ۰/۹۸) و CFI (برابر با ۰/۹۹) نشان دهنده مناسب بودن مدل است.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری شناسایی و مواجهه با مسأله و مشکل عمومی

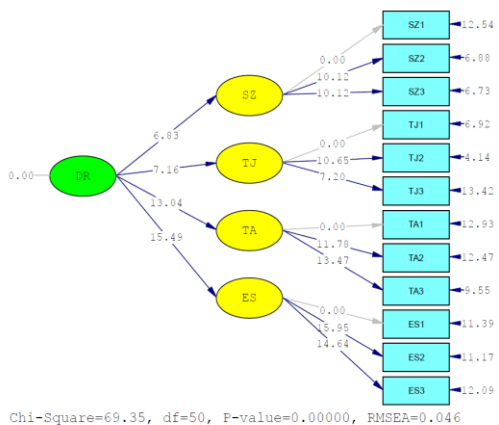
نتایج	مقدار مطلوب	معادل فارسی	شاخص برازش
۰.۹۷	۰.۹۰	شاخص برازش هنجار شده	Normed Fit Index (NFI)
۰.۹۸	۰.۹۰	شاخص برازش هنجار نشده	Non-Normed Fit Index (NNFI)
۰.۹۹	۰.۹۰	شاخص برازش تطبیقی	Comparative Fit Index (CFI)
۰.۹۳	۰.۹۰	شاخص نیکویی برازش	Goodness of Fit Index (GFI)
۰.۹۱	۰.۹۰	شاخص نیکویی برازش	Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
۱.۷۹	$\chi^2 > 3$	خی دو به درجه آزادی	χ^2/df

۳- مدل اندازه‌گیری مشارکت و درگیرسازی ذینفعان در خط مشی

مطابق شکل ۴- مقدار بارهای عاملی تمامی ابعاد از ۰/۳ بیشتر می‌باشد از این رو معنی دار بوده و از لحاظ آماری قابل قبول می‌باشد. همچنین در حالت ضرایب معناداری در شکل ۵- نیز می‌توان مقادیر آماره T را مشاهده کرد که مقادیر t در تمامی ابعاد از ۱/۹۶ بیشتر بوده از این رو قابل قبول می‌باشند.



شکل ۴. مدل اندازه‌گیری مشارکت و درگیری ذینفعان در خط مشی در حالت تخمین استاندارد



شکل ۵. اعداد معناداری ضرایب مدل اندازه‌گیری مشارکت و درگیری ذینفعان در خط مشی

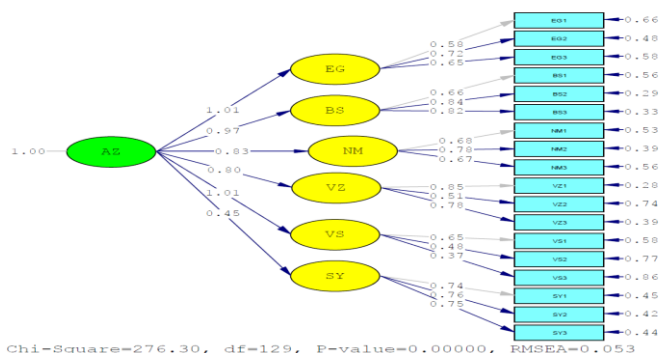
مطابق جدول ۴- مقدار χ^2 به درجه آزادی برابر با ۱/۳۸۷ می‌باشد. همچنین میزان RMSEA (برابر با ۰/۰۴۶) و شاخص‌های GFI (برابر با ۰/۹۳)، AGFI (برابر با ۰/۹۱)، NFI (برابر با ۰/۹۷)، NNFI (برابر با ۰/۹۸) و CFI (برابر با ۰/۹۹) نشان دهنده مناسب بودن مدل است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری مشارکت و درگیری ذینفعان در خط مشی

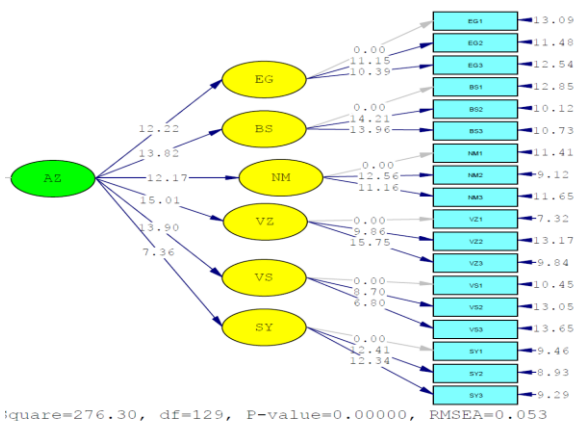
نتایج	مقدار مطلوب	معادل فارسی	شاخص برازش
۰.۹۷	۰.۹۰	شاخص برازش هنجار شده	Normed Fit Index (NFI)
۰.۹۸	۰.۹۰	شاخص برازش هنجار نشده	Non-Normed Fit Index (NNFI)
۰.۹۹	۰.۹۰	شاخص برازش تطبیقی	Comparative Fit Index (CFI)
۰.۹۳	۰.۹۰	شاخص نیکویی برازش	Goodness of Fit Index (GFI)
۰.۹۱	۰.۹۰	شاخص نیکویی برازش	Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
۱.۳۸	$\chi^2 > 3$	خی دو به درجه آزادی	χ^2/df

۴- مدل اندازه‌گیری عوامل زمینه‌ای

مطابق شکل ۶- مقدار بارهای عاملی تمامی ابعاد از ۰/۳ بیشتر می‌باشد از این رو معنی دار بوده و از لحاظ آماری قابل قبول می‌باشد. همچنین در حالت ضرایب معناداری در شکل ۷- نیز می‌توان مقادیر آماره T را مشاهده کرد که مقادیر t در تمامی ابعاد از ۱/۹۶ بیشتر بوده از این رو قابل قبول می‌باشند.



شکل ۶. مدل اندازه‌گیری عوامل زمینه‌ای در حالت تخمین استاندارد



شکل ۷. مدل اندازه‌گیری عوامل زمینه‌ای در حالت معناداری

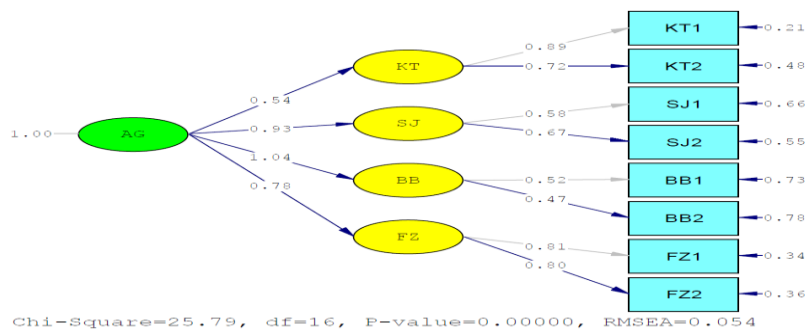
مطابق جدول ۵- مقدار χ^2 به درجه آزادی برابر با ۲/۱۴ می‌باشد. همچنین میزان RMSEA (برابر با ۰/۰۵۳) و شاخص‌های GFI (برابر با ۰/۹۷)، AGFI (برابر با ۰/۷۴)، NFI (برابر با ۰/۹۸)، NNFI (برابر با ۰/۹۹) و CFI (برابر با ۰/۹۹) نشان دهنده مناسب بودن مدل است.

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری عوامل زمینه‌ای

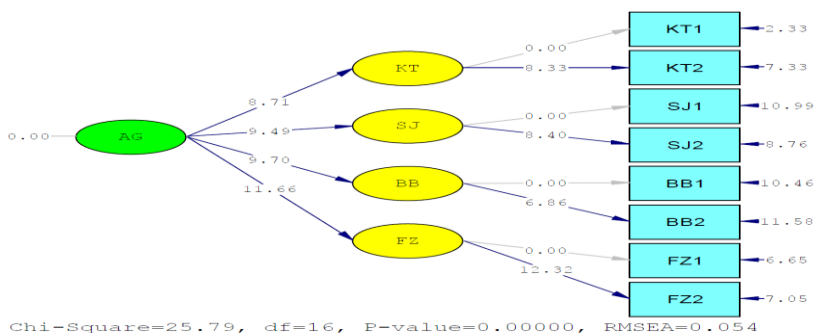
نتایج	مقدار مطلوب	معادل فارسی	شاخص برازش
۰.۹۸	۰.۹۰	شاخص برازش هنجار شده	Normed Fit Index (NFI)
۰.۹۹	۰.۹۰	شاخص برازش هنجار نشده	Non-Normed Fit Index (NNFI)
۰.۹۹	۰.۹۰	شاخص برازش تطبیقی	Comparative Fit Index (CFI)
۰.۹۷	۰.۹۰	شاخص نیکویی برازش	Goodness of Fit Index (GFI)
۰.۹۴	۰.۹۰	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
۲/۱۴	۳ >	خی دو به درجه آزادی	χ^2/df

۵- مدل اندازه‌گیری عوامل مداخله‌گر

مطابق شکل ۸- مقدار بارهای عاملی تمامی ابعاد از ۰/۳ بیشتر می‌باشد از این رو معنی دار بوده و از لحاظ آماری قابل قبول می‌باشد. همچنین در حالت ضرایب معناداری در شکل ۹- نیز می‌توان مقادیر آماره T را مشاهده کرد که مقادیر t در تمامی ابعاد از ۱/۹۶ بیشتر بوده از این رو قابل قبول می‌باشند.



شکل ۸. مدل اندازه‌گیری مداخله‌گر در حالت تخمین استاندارد



شکل ۹. اعداد معناداری ضرایب دومین مدل اندازه‌گیری مداخله‌گر

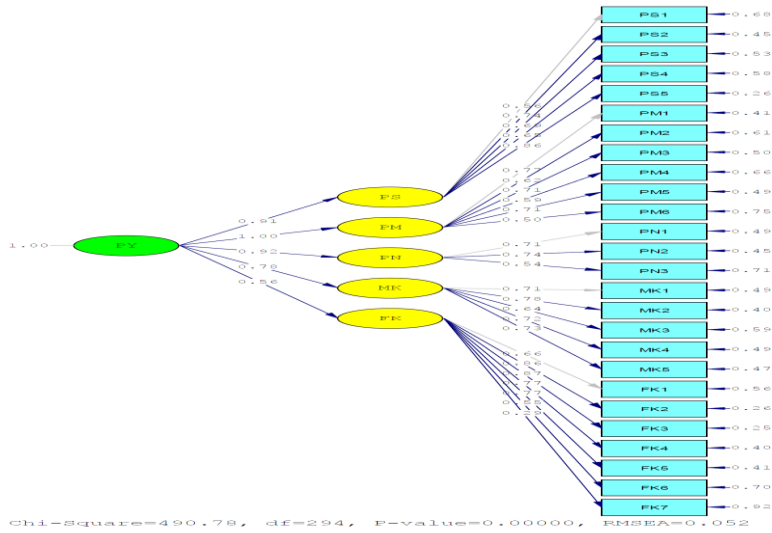
مطابق جدول ۶- مقدار χ^2 به درجه آزادی برابر با ۱/۶۱ می‌باشد. همچنین میزان RMSEA (برابر با ۰/۰۵۴) و شاخص‌های GFI (برابر با ۰/۹۳)، AGFI (برابر با ۰/۹۱)، NFI (برابر با ۰/۹۷)، NNFI (برابر با ۰/۹۸) و CFI (برابر با ۰/۹۹) نشان دهنده مناسب بودن مدل است.

جدول ۶. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری مداخله‌گر

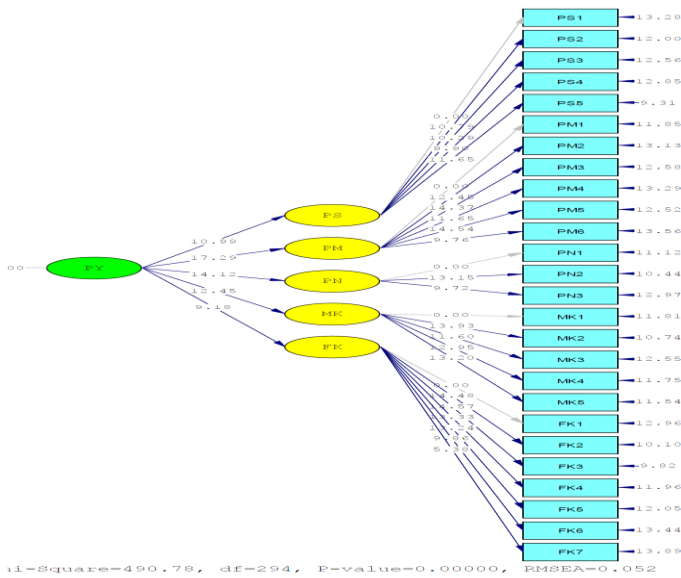
نتایج	مقدار مطلوب	معادل فارسی	شاخص برازش
۰.۹۷	۰.۹۰	شاخص برازش هنجار شده	Normed Fit Index (NFI)
۰.۹۸	۰.۹۰	شاخص برازش هنجار نشده	Non-Normed Fit Index (NNFI)
۰.۹۹	۰.۹۰	شاخص برازش تطبیقی	Comparative Fit Index (CFI)
۰.۹۳	۰.۹۰	شاخص نیکویی برازش	Goodness of Fit Index (GFI)
۰.۹۱	۰.۹۰	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
۱.۶۱	۳ >	خی دو به درجه آزادی	χ^2/df

۶- مدل اندازه‌گیری پیامدها

مطابق شکل ۱۰- مقدار بارهای عاملی تمامی ابعاد از ۰/۳ بیشتر می‌باشد از این رو معنی دار بوده و از لحاظ آماری قابل قبول می‌باشد. همچنین در حالت ضرایب معناداری در شکل ۱۱- نیز می‌توان مقادیر آماره T را مشاهده کرد که مقادیر t در تمامی ابعاد از ۱/۹۶ بیشتر بوده از این رو قابل قبول می‌باشند.



شکل ۱۰. مدل اندازه‌گیری پیامدها در حالت تخمین استاندارد



شکل ۱۱. اعداد معناداری ضرایب مدل اندازه‌گیری پیامدها

مطابق جدول ۷- مقدار χ^2 به درجه آزادی برابر با ۱/۶۶ می‌باشد. همچنین میزان RMSEA (برابر با ۰/۰۵۲) و شاخص‌های GFI (برابر با ۰/۹۳)، AGFI (برابر با ۰/۹۱)، NFI (برابر با ۰/۹۷)، NNFI (برابر با ۰/۹۸) و CFI (برابر با ۰/۹۹) نشان دهنده مناسب بودن مدل است.

جدول ۷. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری پیامدها

مقدار نتایج مطلوب	معادل فارسی	شاخص برازش
۰.۹۷	شاخص برازش هنجار شده	Normed Fit Index (NFI)
۰.۹۸	شاخص برازش هنجار نشده	Non-Normed Fit Index (NNFI)
۰.۹۹	شاخص برازش تطبیقی	Comparative Fit Index (CFI)
۰.۹۳	شاخص نیکویی برازش	Goodness of Fit Index (GFI)
۰.۹۱	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
۱.۶۶	خی دو به درجه آزادی	χ^2/df

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هرگونه تغییر در الگوی موجود در نظام درگیرسازی ذینفعان در دستور کار گذاری کمیسیون انرژی مجلس مطابق نظر برزوار (۲۰۱۹) به تغییر ذهنیت، تغییر نگرش و فرهنگ سیاسی در مجلس بستگی دارد. عدم وجود الگوی مشارکت ذینفعان در دستور کار خط مشی کمیسیون انرژی مجلس موجب ناکارآمدی و ناقص بودن خط مشی‌های مجلس، داده‌ها و دانش‌های غیر بهینه، بروز رانت و فساد در مجلس، کاهش بهره‌وری کمیسیون انرژی و به نوعی ائتلاف منابع مالی، انسانی و طبیعی کشور، و در بدترین حالت مقاومت برخی از ذینفعان در برابر خط مشی‌ها، می‌شود.

باید در جلب مشارکت از بالاترین پله نردبان آرنشتاین یعنی کنترل ذینفعان و مشارکت جو کردن ذینفعان بی‌قدرت، بی‌علاقه و بی‌نفوذ و گروه کاری فعال کردن ذینفعان قدرتمند، علاقمند و ذی‌نفوذ،

در دستور کار خط مشی عمومی کمیسیون انرژی مجلس استفاده شود. پابندی مجلس به باز بودن خط مشی گذاری و تبدیل شدن این رویه به روش پیش فرض در عملکرد مجلس، استانداردهای مربوط به شفافیت، فسادستیزی، و تعامل با ذینفعان را ارتقاء می‌دهد. بهبود مشارکت ذینفعان باعث دستاوردهایی همچون مجلس بهتر، دستور کار خط‌مشی بهتر، دموکراسی قوی تر و بازیگران مقتدرتر می‌شود.

نظر به اینکه خط مشی های انرژی دارای گروه های ذینفع متعدد و همراه با مطالبات و انتظارات متنوع می باشد و از طرفی ذینفعان مانند پلی برای قرار گرفتن جریان مسائل در دستور کار خط مشی، عمل می کنند و در شرایط فعلی خلاء و فضای خالی^۱ حضور فعال ذینفعان بین مسائل و دستور کار وجود دارد، با این تحقیق جهت گیری تدوین دستور کار خط مشی عمومی از حالت سلسله مراتبی به فرایندی تغییر می کند و طراحی الگوی این تحقیق در جهت فرایند مدار^۲ کردن به جای فرد مدار^۳ بودن عملکرد کمیسیون انرژی مجلس است. در غیر این صورت ادامه روند فعلی که همانا کاهش به کارگیری خبرگان و ذینفعان می‌باشد می‌تواند در بلند مدت موجب ناکارآمدی خط مشی‌های تدوین شده و در نهایت کاهش بهره‌وری کمیسیون مذکور شده و به نوعی موجب اتلاف منابع مالی، انسانی و طبیعی می‌گردد. وجه تمایز مدل ارائه شده در این پژوهش نسبت به چارچوبهای موجود، این است که علاوه بر توجه به راهبردها و پیامدها، به عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری مشارکت ذینفعان در دستور کار خط مشی عمومی کمیسیون انرژی مجلس شامل عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر نیز تأکید کرده است.

در شرایط موجود هیچ روش کلی در کمیسیون انرژی مجلس در مورد مشارکت ذینفعان در تنظیم دستور کار خط مشی عمومی، اجرا و نظارت وجود ندارد. اگرچه ممکن است کمیسیون انرژی در برخی موارد در مراحل اولیه تنظیم دستور کار ذینفعان را درگیر سازد، اما این امر هنوز سیستماتیک نیست و بیشتر جنبه اختیاری دارد. پیشنهاد در رابطه با نهادینه ساختن مشارکت ذینفعان در کمیسیون

^۱ Wite space

^۲ Process-Based

^۳ Person-Based

انرژی مجلس، برقراری آموزش تعامل با ذینفعان برای نمایندگان مجلس، تدوین و مقررات مربوط به مشارکت ذینفعان و تنظیم نظارت بر انجام آن می باشد، ضمن اینکه مشاوره ذینفعان می تواند کاملاً مبتنی بر استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات صورت گرفته و اطلاع رسانی، اظهار نظر و به اشتراک گذاشتن نظرات ذینفعان بر این بستر انجام شود.

لازم است که اطلاعات مربوط به خط مشی دنبال شده مجلس در دسترس ذینفعان قرار گرفته و شفافیت بیشتر شود. این کار از طریق یک دپارتمان متشکل از نمایندگان کمیسیون ها و ذینفعان و تعامل آنها با یکدیگر، ارائه برنامه ها و پیشنهادات، تبادل نظر و دادن فرصت به ذینفعان برای نقش آفرینی در تدوین دستور کار خط مشی، امکان پذیر می شود. همچنین باید عضویت نمایندگان در کمیسیون ها با اعمال نظر ذینفعان صورت پذیرد. لذا ذینفعان متوجه می شوند که تاثیر آنها در تدوین دستور کار خط مشی موثر تر بوده و مجلس و کمیسیون های مربوطه موظف خواهند بود تا خط مشی های خود را بانظرات ذینفعان بیشتر تطبیق دهند و نتیجتاً مشارکت ذینفعان افزایش یافته و تصمیم گیری فقط در صحن مجلس نبوده و مشارکت صحنه در صحن بیشتر می شود. به نمایندگان مجلس پیشنهاد می شود پتانسیل های موجود در حوزه های ذینفعان را شناسایی کنند و در راستای تحول و اصلاح، از آنها کمک بگیرند. از شیوه های الکترونیک و بازبودن و مجلس باز و خط مشی گذاری مشارکتی استفاده کنند.

۷. منابع

ابوالحسنی رنجبر، احمد؛ دانشفرد، کرم‌اله و ابوالحسن فقیهی (۱۳۹۷)، "دستور کار خط مشی های اصلاح نظام اداری در ایران مبتنی بر نقش کانونهای تفکر و شبکه های اجتماعی"، فصلنامه علمی چشم انداز مدیریت دولتی، سال نهم، شماره ۳۴، صص ۱۵-۴۲.

گل دار، زهرا؛ امیری، مجتبی؛ قلی پور سوته، رحمت‌الله و منصور معظمی (۱۳۹۶)، "طراحی مدل درگیرسازی ذینفعان در خط مشی گذاری عمومی (مورد مطالع صنعت نفت ایران)"، دانش حسابرسی، سال هفدهم، شماره ۶۶، صص ۸۱-۱۰۵.

محمدی فاتح، اصغر؛ دانائی فرد، حسن؛ رهنورد، فرج‌اله و لطف‌اله فروزنده (۱۳۹۵)، "طراحی مدلی برای ارتقای ظرفیت خط مش گذاری در قوه مجریه کشور"، فرایند مدیریت توسعه، دوره ۲۹، شماره ۳، پیاپی ۹۷، صص ۳-۳۷.

Albalawi, Y., J. Sixsmith. (۲۰۱۵). Agenda setting for health promotion: exploring an adapted model for the social media era. *JMIR public health and surveillance*, ۱(۲), e۲۱.

Alshuwaikhat, H.M., D.I., Nkwenti. (۲۰۰۲). visualizing decisionmaking: Perspectives on collaborative and participative approach to sustainable urban planning and management. *Environment and Planning B: Planning and Design* ۲۹(۴):۵۱۳-۵۳۱, DOI ۱۰.۱۰۶۸/۱۲۸۱۸.

Alemanno, A. (۲۰۱۵), Stakeholder Engagement in Regulatory Policy (November ۱۵, ۲۰۱۵). *Regulatory Policy Outlook*, OECD Publishing, available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=۲۷۰۱۶۷۵>.

Altman, D. (۲۰۱۳). Bringing Direct Democracy Back In: toward a three dimensional measure of democracy", ۲۰(۴) *Democratization* ۶۱۵-۶۴۱.

Anderson, j. E. (۲۰۰۳). *Public policymaking, an introduction*. Boston: Houghton Mifflin Company, pp. ۱ - ۳۴.

Bonafont, L. C., L.M. Marquez. (۲۰۱۱). Mobilization of Interest Group in the Spanish Parliament. *General Conference of the ECPR Iceland*.

Brezovar N. (۲۰۱۹). Early Stakeholder Engagement for Better Regulation of the Ngo Sector-Positive Experience from Slovenia. Paper for the ۲۷th NISPAce Annual Conference. Available at: https://www.nispa.org/files/conferences/۲۰۱۹/e-proceedings/system_files/papers/stakeholder-engagementbrezovar.pdf

Cavalieri, A., c., Froio. (۲۰۲۱). the behaviour of populist parties in parliament. The policy agendas of populist and other political parties in the Italian question time, *Italian Political Science Review/Rivista Italiana di Scienza Politica* page ۱ of ۱۴ doi:۱۰.۱۰۱۷/ipo.۲۰۲۱,۲۵.

Cavassini, F., W., Bolisli. (۲۰۱۷). *STAKEHOLDER ENGAGEMENT, OECD TRENDS & PRACTICES*. Sejong, Korea, OECD.

Capella, A.C. (۲۰۱۶). Agenda-setting policy: strategies and agenda denial mechanisms. *Organizações & Sociedade vol.23 no.79*.

Coen, D., A., Katsaitis. (۲۰۲۱). Governance, accountability, and political legitimacy: who participates in the European parliament's committee hearings (ECON ۲۰۰۴-۲۰۱۴), *Journal of European Integration*, DOI: ۱۰.۱۰۸۰/۰۷۰۳۶۳۳۷,۲۰۲۱,۱۹۲۲۸۹۸.

Creswell, J. W. (۲۰۱۲). *Educational research: planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research*, Pearson, ۴thed.

Desai, A. (۲۰۱۱). "Policy Agenda-Setting And The Use Of Analytical Agenda-Setting Models For School Sport And Physical Education In South Africa", South Africa: University Of South Africa.

Díaza, P., Adlerb, C., A., Patta. (۲۰۱۷). Do stakeholders' perspectives on renewable energy infrastructure pose a risk to energy policy implementation? A case of a hydropower plant in Switzerland. *Energy Policy*, nolum^{۱۸}, ۲۱-۲۸.

Economic Commission for Africa. (۲۰۱۲). *The Role of Parliament in Promoting Good Governance*. Kigali, Rwanda: UN, Governance and Public Administration Division (GPAD).

Ferretti, V., Pluchinotta, I., A. Tsoukias. (۲۰۱۹). Studying the generation of alternatives in public policy making processes, *European Journal of Operational Research*, Vol ۲۷۳, Issue ۱, Pages ۳۵۳-۳۶۳.

Fischer, F. (۲۰۰۹). *Democracy and Expertise. Reorienting Policy Inquiry*. Oxford University Press, Oxford.

Fischer, F. (۲۰۰۳). *Reframing Public Policy: Discursive Politics and Deliberative Practices*. Oxford University Press, Oxford.

Forbici, G., T., Divjak. (۲۰۱۷). Measures for Strategic Development of Civil Participation in Decision Making in the Eastern Partnership Countries. European Union and Implemented by the Council of Europe.

Frey, B., et al. (۲۰۱۱). Direct Democracy and the Constitution, in A. Marciano (ed.), *Constitutional Mythologies: New Perspectives on Controlling the State*, ۲۳ *Studies in Public Choice*, ۱۰۸. For A EU perspective.

Fung, A. (۲۰۰۶). Varieties of participation in complex governance. *Public Administration Rev.* ۶۶ (۱), ۶۶-۷۵.

Holmes, B. (۲۰۱۱). *Citizens' engagement in policymaking and the design of public services*. Parliament of Astralia, Politics and Public Administration Section.

House of Commons. (۲۰۱۳). *Public engagement in policy-making*, Second Report of Session. London: authority of the House of Commons London: The Stationery Office Limited.

Howlett, M. (۲۰۱۹). *Designing public policies: Principles and instruments*. Routledge.

Howlett, M., R., Ramesh, P., Anthony. (۲۰۰۹). *"Studying Public Policy"*, Third Edition. New York: Oxford New York University Press.

Hutahaean, M. (۲۰۱۷). *The Importance of Stakeholders Approach in Public Policy Making*. Atlantis Press.

Kleinschmita, D., Pülzlb, H., Seccoc, L., Sergentd, A., I., Walline. (۲۰۱۸). Orchestration in political processes: Involvement of experts, citizens, and participatory professionals in forest policy making. *Forest Policy and Economics*, ۴-۱۵.

Lemke, A., and J. N. Arris-Wai (۲۰۱۵). "Stakeholder Engagement in Policy" Development: challenges and opportunities for human genomics. *Genet Med*.

Liu Y., Chan R. Hin-yeung. (۲۰۱۸). The Framework of Crisis-Induced Agenda Setting in China. *Asia & the Pacific Policy Studies*, vol. ۵, no. ۱, pp. ۱۸-۳۳.

Longo, J. (۲۰۱۷). The evolution of citizen and stakeholder engagement in Canada. *Canadian Public Administration*, Volume ۶۰, NO. ۴, ۵۱۷-۵۳۷.

Pluchinotta, I., Kazakçı, A., Giordano, R., A., Tsoukiàs. (۲۰۲۰). Design Theory for Generating Alternatives in Public Decision Making Processes, HAL Id: hal-۰۲۳۲۴۱۰۶ <https://hal.archives-ouvertes.fr/hal-۰۲۳۲۴۱۰۶>.

Madhusanka, N., Pan, W., M., Kumaraswamy. (۲۰۲۱). Social Network Analysis of Building Energy and Carbon Policy Networks in Developing Countries, World Sustainable Built Environment conference.

Macintosh, A. (۲۰۰۴). Characterizing E-Participation in Policy-Making. Hawaii International Conference on System Sciences, ۳۷th. Big Island, HI, USA: IEEE.

McCann, T., M., Polacsek. (۲۰۲۰). Understanding, choosing and applying grounded theory: part ۱. Nurse Researcher, ۲۸(۱). PP. ۳۶-۴۱. ISSN ۱۳۵۱-۰۵۵۷۸.

McNutt, K. (۲۰۱۴). Public Engagement in the Web ۲.۰ Era: Social collaborative technologies in public sector context, ۵۷ Canadian Public Administration, ۵۴.

Mey, G., K., Mruck. (۲۰۱۱). Grounded-Theory-Methodologie: Entwicklung, Stand, Perspektiven, Grounded Theory Reader pp ۱۱-۴۸, DOI: ۱۰.۱۰۰۷/۹۷۸-۳-۵۳۱-۹۳۳۱۸-۴_۱

Momen, M. N. (۲۰۱۹). Multi-stakeholder Partnerships in Public Policy, Encyclopedia of the UN Sustainable Development Goals. Springer, Cham, pp ۱-۹. Edition: First, https://doi.org/10.1007/978-3-319-71067-9_50-1.

Nelson, L. K. (۲۰۲۰). Computational grounded theory: A methodological framework. Sociological Methods & Research, ۴۹(۱), ۳-۴۲.

Novack, B., Harvey, R., A. Dinesh. (۲۰۱۹). The Open Policy Making Playbook. USA New York: Collective Intelligence and Governance Published-GOVLAB.

Ocean Studies Board. (۲۰۰۴). "Analytical Methods and Approaches for Water Resources Project Planning. Washington", DC: The National Academies Press.

OECD. (۲۰۰۹). Focus on Citizens: Public Engagement for Better Policy and Services, OECD Studies on Public Engagement, OECD Publishing, paris. <http://dx.doi.org/10.1787/9789264048874-en>.

OECD. (۲۰۱۱). Regulatory Policy and Governance Supporting Economic Growth and Serving the Public Interest, Paris.

OECD. (۲۰۱۲). Recommendation of the Council on Regulatory Policy and Governance, OECD Publishing, Paris.

Otjes, S. (۲۰۱۹). No politics in the agenda-setting meeting?: plenary agenda setting in the Netherlands. WEST EUROPEAN POLITICS, VOL. ۴۲, NO. ۴, ۷۲۸-۷۴۵.

Pedersen, H. H., D. Halpin, A. Rasmussen. (۲۰۱۵). "Who Gives Evidence to Parliamentary Committees? A Comparative Investigation of Parliamentary Committees and Their Constituencies." Journal of Legislative Studies ۲۱ (۳): ۴۰۸-۴۲۷. doi:10.1080/13572334.2015.1042292.

Rasheed, A.R., Abdulla, A. (۲۰۲۰). Evaluating stakeholder participatory processes in policy development for Marine Protected Areas, Marine Policy, ۱۱۲,

Schoroth, F., Glatte, H., Kaiser, S., M. Heidingsfelder. (۲۰۲۰). Participatory agenda setting as a process — of people, ambassadors and translation: a case study of participatory agenda setting in rural areas, European Journal of Futures Research volume ۸, article number, ۶

Stewart, J. Jr. (۱۹۹۱). Policy Models and Equal Educational Opportunity. *Political Science and Politics*, No ۲۴, ۱۶۷-۱۷۳.

Su Seo, H. (۲۰۱۶). Parliament and Direct Forms of Citizen Participation: The political impact of Citizens' Initiative in Finland. ECPR General Conference. Prague: University of Tampere, Finland.

Tideklev, N. (۲۰۰۷). På vilka sätt kan stakeholders påverka EU? En jämförelse av stakeholders påverkan på EU:s GMO policy och på ramdirektivet för vatten. Lunds universitet Statsvetenskapliga institutionen.

Townsend, B., Schram, A., Labonté, R., Baum, F., S. Friel (۲۰۱۹). "How do actors with asymmetrical power assert authority in policy agenda-setting? A study of authority claims by health actors in trade policy", *Social Science & Medicine*, ۲۳۶, ۱۱۲۴۳۰.

Tranka, D. (۲۰۱۷). OECD best practice principles on stakeholder engagement in regulatory policy, Draft for public consultations, OECD.

Tshabalal, S. (۲۰۱۳). Public Participation Framework for the South African Legislative Sector, Legislative Sector of South Africa.

Yalmanov, N. (۲۰۲۱). Public Policy and Policy-Making, XXIII International Conference Culture, Personality, Society in the Conditions of Digitalization: Methodology and Experience of Empirical Research Conference.